

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

محمدعلی نجفی *

بررسی مؤلفه‌های فرهنگ تربیت دینی خانواده از منظر امام رضا

چکیده

یکی از مهمترین وظایف خانواده، تربیت اعضاء و توجه به تحصیل و رفتار اعضای خانواده است. در دین اسلام به تربیت فکری و دینی کودکان اهمیت داده شده است. تربیت دینی هم به جهان بینی اعتقادی و باورهای انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش های اخلاقی متکی است. این مقاله با توجه به نقش ائمه معصومین به عنوان الگوی شیعیان به تحلیل مولفه‌های فرهنگ تعلیم و تربیت دینی در نظام خانواده از منظر امام رضا (علیه‌السلام) پرداخته است. مهمترین اصول و مولفه‌های تربیتی را با تأکید بر نظریات اندیشمندان بزرگ اسلامی در حوزه تربیت دینی و نگاه به سیره رضوی به سه دسته؛ اعتقادی (خداجویی)، نظام ارزشی (فضائل و رذایل اخلاقی) و کنش عملی (عبادت) تقسیم بندی نمود.

واژگان کلیدی: اسلام، تربیت دینی، فرهنگ، سیره، امام رضا.

طرح بحث

یکی از مباحث مهمی که جای کاوش‌های محققانه بسیاری دارد و خود به تنهایی ارائه دهنده الگوها و مدل‌های تعلیمی- تربیتی و حاوی سبک و شیوه‌ی موفق است؛ فرهنگ سازی و ارائه الگوی رفتاری در ارتباط با ادیان و مذاهب است.

قرآن، آغاز خلقت را با یک زن و مرد، اشاره به نهاد خانواده، مهمترین و کوچکترین اجتماع بشری می‌داند. سپس قبایل و اجتماعات گوناگون را مطرح می‌کند و متذکر می‌شود آنچه که موجب برتری افراد است، همانا تقوا و فضایل اخلاقی است. بی‌توجهی به ارزش‌های اصیل اخلاقی، تهذیب و تزکیه نفس، موجب تسلط تمایلات و غرایز مادی یا به عبارت دیگر، نفسانیات (نفس اماره) بر انسان می‌شود. (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۵)

شایان ذکر است که خانواده محور اصلی جامعه و برطرف کننده‌ی نیازهای مختلف است و از این رو هر نوع حرکت و اتفاقی که در جامعه رخ دهد در اثر حرکت و کوشش خانواده است. به طور کلی خانواده برطرف کننده‌ی نیازهای افراد و اعضای خود می‌باشد؛ که در نهایت این افراد و اعضا باید با ایفای نقش خود در جامعه، توسعه اقتصادی، اجتماعی و تربیتی را اجراء و ایفا کند. یکی از مهمترین وظایف خانواده تربیت اعضاء و توجه به تحصیل و رفتار اعضای خانواده است. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۹)

از مهمترین مسئولیت‌های تربیتی پدران و مادران این است که به کودک از نظر علم، آگاهی و سلامت عقل کاملاً توجه کنند و از افراط و تفریط بپرهیزند و بدانند که افراط و تفریط مسئولیت الهی و اخروی دارد. (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۸۰) اسلام، مکتبی الهی است و تعلیم و تربیت در این مکتب جنبه دینی، معنوی و همگانی دارد. در دین اسلام به تربیت فکری و هم به تربیت اجتماعی اهمیت داده شده است. این تربیت شامل؛ تربیت جسم و روح، فرد و جمع، دنیا و آخرت می‌شود.

تعلیم و تربیت اسلامی انسان را از مرزهای تنگ ماده پرستی و طبیعت‌گرایی فراتر می‌برد و



به سوی خداوند می‌کشاند و توحید را فلسفه جهان بینی و معاد را زندگی مطرح می‌کند و عقل و عمل را ملاک یافتن حقیقت و ضابطه رستگاری تلقی می‌کند. (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۳۳)

«و تفقهوا فی دین الله...»

آیین خدا را به درستی بشناسید و با بصیرت و آگاهی از آن پیروی کنید. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۴۶)
امام رضا (علیه السلام) همچون جد بزرگوارش در اخلاق، نمونه و الگو بود و در زندگی فردی و اجتماعی، خلق والای پیامبر را حکایت می‌کرد، در اخلاق همچون پیامبر جلوه‌گر می‌شد؛ چرا که او برخاسته از ریشه‌های نبوی بود. (گنجور و بیدهندی، ۱۳۹۰: ۲۲۹)

امام رضا (علیه السلام) برنامه‌ریزی و تدبیر در معیشت و تعیین برنامه توجه کامل داشتند. ایشان بخشی از امور روزانه خود را به امور مرتبط به معاش و گذران زندگی شخصی و بخشی دیگر را برای استفاده از لذات مشروع اختصاص می‌دادند. امامان ما توجه خاصی به تربیت فرزند و خانواده خویش داشتند و برای خود در برابر آنها مسئولیت خاصی قائل بودند: «کسی که برای امرار معاش خانواده خود کار می‌کند، اجر او بیش از کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.» (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۴۴۶)

حضرت الگوی اسلام را در روابط میان انسان‌ها با برخی اعمال خود که تراویده از رفتار یک انسان کامل و حقیقی است، بیان می‌فرمودند؛ آنچنان که می‌توان دریافت از نظر حقوق جامعه و شرف انسانی، هر گونه امتیاز طبقاتی و هر نوع برتری جویی فردی و اجتماعی را لغو کرده است و تنها تفاوتی که بین انسان‌ها در نظر گرفته، فرمان برداری از خدا و نافرمانی از اوست. (فضل الله، ۱۳۶۹: ۴۴)

در جامعه انسانی خانواده از جایگاه والایی برخوردار است. زیرا اگر بنا باشد مردم به حال خود رها شوند و هرکس به دنبال خواسته‌ها و هوس‌های نفسانی خود برود، اجتماع به صورت ناموزون و ناهماهنگ درمی‌آید و هرج و مرج و بی‌بند و باری بر آن حاکم خواهد شد؛ چون اجتماع، وابسته به خانواده و تربیت خانواده است.

از آنجا که اصلاح جامعه به اصلاح فرد وابسته است، تا فرد اصلاح نشود جامعه هم اصلاح



نمی‌شود و در این اصلاح نقش خانواده و زن اهمیت بسزایی دارد. اسلام هم بر تشکیل نهاد مقدس خانواده، هم بر تحکیم آنها، تأکید فراوان و فوق‌العاده‌ای داشته است و در این راستا تلاش نموده است و خانواده‌ای که در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های ارائه شده از سوی بزرگان دین باشد، می‌تواند سهم بسیاری در پیشرفت و ترقی جامعه خویش داشته باشد. (بهشتی و رشیدی، ۱۳۹۲: ص ۶۶) چنین جایگاهی جز از راه معرفت دینی و التزام به رهنمودهای دینی، میسر نیست و این هدف برجسته و مقصود بایسته تنها با تربیت دینی قابل تحقق است. (قاسمی نژاد و لکزایی، ۱۳۸۹: ص ۵۸)

تربیت دینی بدین ترتیب، هم به جهان بینی و مبانی اعتقادی و باورهای انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و نظایر آنها متکی است. به عبارتی، تربیت دینی هم با اندیشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل او سروکار دارد.

کرامت انسان اقتضا دارد که وی بتواند به پشتوانه ابزار و عناصر شخصی و شخصیتی (نظیر حواس ظاهری و باطنی، امیال، گرایش‌ها و احساسات) به جایگاه والای خویش در نظام آفرینش بیندیشد و برای نیل به آن جایگاه به کمک اعضای ظاهری (جوارح) و نیروهای درونی (جوانح) خویش تلاش مناسب را به عمل آورد.

ابعاد مختلف وجود آدمی و تربیت آن‌ها، هر یک جایگاه ویژه‌ای در تعلیم و تربیت اسلامی دارد؛ اما به تربیت عقلانی که پیشه امامان ما در جامعه‌پذیری مردم بوده توجه وافری شده است؛ زیرا با سلامت عقلانی، تربیت سایر ابعاد وجود انسان از سهولت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. پس لازم است امر خطیر تربیت آدمی به اهمال گذارده نشود و جایگاه خاص آن در تربیت هر یک از ابعاد وجود آدمی مورد تأکید قرار گیرد.

این مقاله با توجه به نقش ائمه معصومین به عنوان الگو و مرجع شیعیان به تحلیل مؤلفه‌های فرهنگ تعلیم و تربیت دینی در نظام خانواده از منظر امام رضا (علیه‌السلام) پرداخته است. سوال اصلی محقق نیز متناسب با هدف مطرح شده این است که مهمترین مؤلفه‌های فرهنگ تربیت دینی خانواده از منظر حضرت امام رضا (علیه‌السلام) چیست؟



الف. مفهوم شناسی

در بررسی واژه فرهنگ، این مفهوم را باید هم به لحاظ لغوی و هم به لحاظ اصطلاحی مورد بررسی قرار داد. واژه فرهنگ مرکب از پیشاوند "فر" و "هنگ" است.

«فر» به معنای بینش، شأن، شکوه و زیبایی است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۰، ۱۴۹۹)

«هنگ» به معنای کشیدن، سنگینی، وقار، قدرت، هوش و لشکری است. (عمید، ۱۳۹۰: ۹۰۷)

واژه فرهنگ در مجموع به معنای کشیده شدن، علم و دانش، ادب و معرفت و تعلیم و تربیت

به کار رفته است. (معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۷۴۵)

در زبان عربی واژه فرهنگ با کلمه «الثقافه» بیان می‌شود که به معنای متبحر و حاذق شدن

است. (زبیدی، ۱۴۰۶: ص ۶۰)

الف لیتون فرهنگ را ترکیبی از رفتار کسب شده بوسیله اعضای جامعه معینی می‌داند که

از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود. (ووثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۰: ص ۱۱۸)

ساموئل کینگ، فرهنگ را مجموعه مساعی بشر برای تطابق با محیط و اصلاح امور زندگی

برمی‌شمارد. (محسنی، ۱۳۷۴: ص ۲۰۴)

از نظر گی روشه فرهنگ مجموعه‌ای بهم پیوسته از اندیشه‌ها و احساسات کم و بیش

صریحی است که بیشتر افراد گروه پذیرفته اند و برای اینکه این افراد گروه معین و مشخصی را

تشکیل دهند لازم است که آن مجموعه بهم پیوسته، عینی و سمبلیک مراعات شود. (روح

الامینی، ۱۳۷۹: ۱۸)

از منظر نگارندگان فرهنگ رضوی مجموعه‌ای از باورها، رفتارها، ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و

قوانینی است که از سیره علمی و عملی امام رضا(علیه‌السلام) و قرآن و عترت سرچشمه می‌گیرد؛

به گونه‌ای که محوریت سبک زندگی اسلامی در همه ابعاد عبادی، فردی، اخلاقی، اجتماعی،

اقتصادی و سیاسی بر پایه فرهنگ شکل می‌گیرد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۸)

به طور کلی فرهنگ، به آداب، عادات، عقاید، معارف، مناسبات، رسوم و جهان بینی قوم، ملت

و جامعه گفته می‌شود. وقتی سخن از فرهنگ عصر یا فرهنگ ملتی به میان می‌آید در حقیقت از



اخلاقیات، باورها، مناسبت‌های اجتماعی، دانستنی‌ها و بالاخره دیدگاه‌های کلی آنان نسبت به جهان و انسان سخن گفته می‌شود.

تربیت

با توجه به کتب لغت و گفته زبانشناسان می‌توان گفت که واژه «تربیت» مصدر باب تفعیل و دارای سه ریشه است. تربیت اگر از باب «ربا، یربو» باشد به معنای رشد کردن و برآمدن و بالیدن است. اگر برگرفته از «ربی، یربی» باشد معنایش افزودن، پروراندن، برکشیدن و تغذیه کودک است و اگر از ریشه «رب، یرب» باشد به معنای پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام و متین کردن خواهد بود. راغب اصفهانی بر آن است که: «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هرچیز است تا آنگاه که به انجامی که آن را سزد برسد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۸۴)

بیضاوی تربیت را «به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز» دانسته است. (بیضاوی، ۱۴۰۸: ۱۰)

استاد شهید مرتضی مطهری تربیت را این گونه تعریف می‌کند:

«تربیت، عبارتست از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شی موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه، حیوان و انسان صادق است ... از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶-۵۷)

بنابراین تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای نهفته آدمی و تعدیل غرایز در جهت رساندن به هدف نهایی خود یعنی مقام قرب خداوند و خلیفه الهی است. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۱: ۴۳)

دین

علامه طباطبایی در المیزان دین را این گونه تعریف می‌کند:

«دین عبارتست از طریقه‌ای که پیمودنش آدمی را به سعادت حقیقی و واقعی می‌رساند.»



(طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۷: ص ۲۶۹)

دانشمند و مفسر معاصر، آیت‌الله جوادی آملی معنای اصطلاحی دین را مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی دانسته که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ص ۹۳-۹۵)

استاد مصباح یزدی نیز در تعریف دین چنین آورده است:

«دین، مجموعه‌ای است از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها.» که در بخش باورها اعتقاد به یگانگی خداوند و صفات جمال و جلال او، اعتقاد به نبوت و اعتقاد به معاد قرار دارد که از آن به «اصول دین» یا «اصول عقاید» تعبیر می‌شود و در بخش رفتارها نیز کلیه رفتارهای متناسب با باورها که بر حسب اوامر و نواهی الهی و به منظور پرستش و بندگی خدای متعال انجام می‌گیرد که از این بخش به عنوان «فروع دین» یاد می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ج ۳، ص ۱۴۹)

نظام و برنامه جامع سعادت دنیوی و اخروی انسان در پرتو عقل و نقل؛ نظامی که نقشه جامع زندگی بوده و قادر است در پرتو اجتهاد پویا و روشمند و با استفاده از منابع قوی و غنی خود، راهنما و راهبر خود و جامعه باشد و نهایتاً تعریف فرهنگ دینی: وضع و روح حاکم بر مجموعه نگرش‌ها و تعاملات اجتماعی و محیطی جامعه که برخاسته از منابع و مبانی دین می‌باشد. (پوررستمی، ۱۳۹۵: ص ۱۳۳)

ب. ادبیات پژوهش (نظریه‌های تحقیق)

در مقیاس کلان دین و خانواده در قوام و انسجام جامعه اثرگذارند، در این دیدگاه کنت دین و خانواده را دو محیط اخلاقی مهم شکل‌دهنده فرد که به اتفاق نظم اجتماعی را پدید می‌آورند و موجب پیوند اجتماعی افراد با نهادهای اجتماعی می‌شوند، می‌داند. (سیدمن، ۱۳۸۸: ص ۳۳)

از دیدگاه گیدنز خانواده و خویشاوندی و آنچه راوی کیهان‌شناسی مذهبی می‌نامد، دو رکن اصلی زمینه‌ساز اعتماد در فرهنگ‌های پیش‌مدرن‌اند که امنیتی وجودی را پدید می‌آورند.

خویشاوندی شبکه پابرجایی از روابط دوستانه و پیوندهای اجتماعی اعتمادپذیر را موجب می‌



شود که تضمین کننده انجام تعهدات از سوی اشخاص بدون نیاز به وجود علاقه مندی شخصی در بین آنهاست و مذهب نیز با ارئه تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی اجتماعی امنیت ارائه می‌کند و به رویدادها و تجربه‌ها اعتماد تزریق می‌کند. (گیدنز، ۱۳۹۰: ص ۱۲۱-۱۲۴)

به باور دورکیم نیز فرهنگ مشترکی که شالوده مذهبی دارد و موجب انسجام جوامعی با ساختار اجتماعی قطاعی می‌شود اساساً توسط گروه‌های خویشاوندی خود بسنده‌ی خلق می‌شود که در جستجوی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک هستند. (سیدمن، ۱۳۸۸: ص ۵۸)

به گفته باتامور هیچ گروهی در جامعه به اندازه خانواده تحت نفوذ اصول اخلاقی و مذهبی قرار نمی‌گیرد و این اصول به ندرت در نظام‌های اقتصادی و سیاسی به اندازه خانواده اتکا دارد و غالباً مذاهب عملاً در تحکیم و حفظ اشکال خانواده در جامعه نقش دارد. (باتامور، ۱۳۷۰: ص ۲۰۴)

پارسنز نیز خانواده را در نتیجه توسعه صنعتی و جدا شدن از شبکه خویشاوندی تهی از تمامی عملکردهای سیاسی، اقتصادی و آموزشی گذشته‌اش می‌داند. تنها کارکردی که به آن نسبت می‌دهد جامعه‌پذیری کودکان و شرایط تعادل روانی برای بزرگسالان است. (سگالن، ۱۳۷۰: ص ۸۸ به نقل از رستگار خالد، ۱۳۹۲: ص ۶۰)

از نظر رنه کونیگ نیز کارکرد اجتماعی و واقعی خانواده ساخت شخصیت فرهنگی - اجتماعی کودکان است. شلسکی نیز معتقد است کارآیی منحصر به فرد خانواده تربیت فرزندان است. (روزن باوم، ۱۳۶۳: ۱۳۱-۱۳۳)

معدلک، خود خانواده ارزش‌هایی را که در حین فرایند جامعه‌پذیری به کودک انتقال می‌دهد نمی‌آفریند بلکه از مذهب، ملت یا طبقه می‌گیرد، بنابراین اولین خصلت خاص خانواده هسته‌ای در هر جامعه‌ای بوسیله نهادهای دیگر تعیین می‌گردد نه بالعکس (باتامور، ۱۳۷۰: ۲۰۲) با این وجود به سه نظریه مهم در باب جامعه‌پذیری کودکان در حوزه جامعه‌شناسی می‌پردازیم.

۱. نظریه ساخت-کارکردی

تالکوت پارسونز جامعه‌شناسی از مکتب ساخت-کارکردی است و در تئوری تفکیک نقش‌ها بر این باور است که اگر افراد خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق دهند تعارض به حداقل می



رسد. وی دو عنصر را در تشکیل خانواده موثر می‌داند که تفکیک بر مبنای جنسیت و تفکیک بر مبنای سن است.

در این ارتباط دلایلی را با تفاوت‌های بیولوژیکی مطرح می‌کند؛ زنان براساس خصوصیات جنسی (باروری و شیردهی) نشان می‌دهند که با مردان متفاوتند. وی ساخت نقش‌های زن و مرد را به وظایف‌شان در مورد نظام خانواده مرتبط ساخته و مورد بررسی قرار می‌دهد نظام جامعه شوهر را به رهبری اصلی و وظیفه مادر را حفظ وحدت و انسجام خانواده می‌داند. (میشل، ۱۳۵۴: ص ۱۲۶)

نظریه کارکردگرایی پارسونز مربوط به خانواده امریکایی است. پارسونز ابتدا انواع خانواده (خانواده جهت یاب و خانواده فرزندباب) و وظایف هر یک نوع را در اجتماع مشخص می‌کند و سپس به تشریح نقش‌های زن و مرد در خانواده امریکایی می‌پردازد. از نظر وی خانواده در اجتماعات اولیه از نوع گسترده است و وظایف تولید اقتصادی - سیاسی، دینی، تفریحی و اجتماعی کردن کودکان را برعهده دارد ولی تفکیک و تخصص در جامعه‌های جدید بسیاری از وظایف خانواده‌های گسترده را منتقل کرده و به شکل خانواده هسته‌ای نموده است. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۱۶)

۲. نظریه یادگیری اجتماعی

ادوین ساترلند تفسیر اصلی برای انتقال ارزش‌ها و رفتارها از والدین به فرزندان را مبتنی بر یادگیری اجتماعی می‌داند. این نظریه بیان می‌کند که کودکان نگرش‌ها و رفتارها را از طریق مشاهده و الگوبرداری از دیگران یاد می‌گیرند، بنابراین والدین نه تنها باورها و ترجیحات شبیه خودشان را در کودک نهادی می‌کنند بلکه الگوهای نقشی ارائه می‌کنند که فرزندان‌شان از آنها تقلید می‌کنند.

یادگیری اجتماعی از یک سو بر وظایف والدین و از سوی دیگر بر نقش الگو بودن آنها برای فرزندان‌شان که از رفتارهای آنها الگو برداری و دیدگاه‌های آنان را بیان می‌کنند، دلالت دارد. این تاثیر می‌تواند بوسیله تلاش‌های فعالانه پدران و مادران حمایت بشود تا از این طریق، رفتارها و



نظرات خود را به فرزندانشان بوسیله تشویق یا تنبیه بقبولانند. (کاپینوس و پلرین، ۲۰۰۸: ۸۰۲ به نقل از رستگار خالد، ۱۳۹۲: ص ۶۵)

۳. نظریه دل‌بستگی

بالبی در ۱۹۶۹ میلادی نظریه دل‌بستگی را مطرح کرد. به نظر او روابط اجتماعی طی پاسخ، نیازهای زیست‌شناختی و روانشناختی مادر و کودک پدید می‌آیند. از نوزاد انسان رفتارهایی سر می‌زند که باعث می‌شود اطرافیان از او مراقبت کنند و در کنارش بمانند. مک کوبی نیز منطبق با نظریه دل‌بستگی مطرح می‌کند که توسعه روابط گرم والدین - فرزندان به طور بالقوه احتمال این که بچه‌ها با باورهای والدینشان انطباق یابند را افزایش می‌دهد. به عقیده او کودکانی که به والدین خود وابستگی بیشتری دارند، تمایل قوی‌تری برای سازگاری با باورها و ارزش‌های آنان نشان می‌دهند و هر قدر والدین رفتار پذیراتری نسبت به کودک ابراز کنند، توافق بیشتری بین کودک و والد شکل می‌گیرد. (مک کوبی، ۱۹۹۲: ص ۱۰۰۶ به نقل از رستگار خالد، ۱۳۹۲: ص ۶۵)

۴. مؤلفه‌های دین از منظر علمای اسلام

مؤلفه‌های مد نظر اسلام به تنوع ابعاد انسان است. در مدل مفهومی اول، سه بعد اصلی دینداری را می‌توان شامل: اعتقادات دینی، تجربه دینی و رفتار دینی دانست. در این راستا برخی دین پژوهان مسلمان (نراقی، ۱۳۷۸) پس از تصریح آنکه سه بعد اصلی در ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) عبارتند از اعتقادات دینی، تجربه دینی و رفتار دینی، مدعی شدند نحوه‌ی ارتباط این سه بعد یا ساختار مفهومی این مدل مشتمل بر نحوه خاص از ترتب هر یک از ابعاد بر یکدیگر به شرح زیر است:

تجربه دینی بنیان اصلی دین را تشکیل داده که منجر به شکل‌گیری نظام اعتقادات دینی شده و اعتقادات نیز به نحوی، بنیان اعمال دینی واقع می‌شود. (طالبان، ۱۳۹۰: ۴۶)

تجربه دینی گوهر و بنیان دین به شمار می‌رود و این تجربه در قالب نظامی الهیاتی که متشکل از مجموعه‌ای نظام‌آور از اعتقادات است مورد تعبیر و تفسیر قرار می‌گیرد.



این نظام اعتقادی نوع و نحوه‌ی خاصی از عمل دینی را نیز اقتضاء می‌کند و به این ترتیب عمل دینی در پرتو نظام‌های سلوکی منبعث از نظام اعتقادات دینی سامان می‌پذیرد. این مدل دین‌شناسانه مبتنی بر سه رکن اساسی است: تجربه دینی، نظام اعتقادات دینی و عمل دینی و این سه رکن یاد شده به ترتیب مرتبط با یکدیگرند. (نراقی، ۱۳۷۸: ص ۱۵۱)

مراد از تجربه دینی تجربه‌ای است که از طریق آن خدا و یا امر قدسی خود را بر شخص صاحب تجربه منکشف می‌سازد. تجربه دینی در ساده‌ترین معنایش عبارتست از ارتباط خداوند با انسان و یا به بیانی عام‌تر مواجهه انسان با امر قدسی.

اعتقادات دینی ناظر بر تجربه دینی است و دست کم در دو سطح (تجربه فرد صاحب تجربه و نظام‌مند کردن مجموعه اعتقادات) با تجربه دینی نسبت دارد.

در مجموعه دستگاه اعتقادی شخص اعتقاداتی وجود دارد که ناظر به رابطه میان اهداف معین و وسایل مناسب برای نیل به آن هدف است. یعنی شخص معتقد است که برای نیل به هدف (الف) باید عمل (ب) را انجام دهد. این نوع اعتقادات را می‌توان «اعتقادات هدف وسیله‌ای» نامید. این اعتقادات از مبادی مهم «عمل» به شمار می‌آید. اعتقاداتی است درباره وسایلی که برای نیل به اهداف دینی مناسب‌تر است و مهمترین هدف دینی مواجهه با امر قدسی است. از این رو در چارچوب این مدل، «عمل دینی» در نهایت عملی است که شخص دیندار را به ساحت آن تجربه قدسی نزدیک‌تر می‌کند. (نراقی، ۱۳۷۸: ص ۳۴-۳۶)

مدل مفهومی دوم، منبعث از دیدگاه علمای اسلام (روحانیون شیعه) است. آنان دین را مجموعه‌ای از عقاید، اخلاقیات و احکام عملی تعریف نموده‌اند که خداوند توسط پیامبرانش برای هدایت بشر فرستاده است. این مدل سنتی از تعریف دین که امروزه در عرف علمای اسلام، رایج و تا اعصار بسیار دوری قابل ردیابی است سه بعد اصلی را از یکدیگر تمیز می‌دهد: «عقاید»، «اخلاقیات» و «عمل».

در حقیقت علمای اسلام به جای بعد احساسات، اخلاقیات را قرار داده و بین این مجموعه سه بعدی، نوعی ترتب خاص بدین شرح قائل بودند: اعتقادات خاص، خلقیات یا منش‌های



خاصی را ایجاب می‌کند و آن منش رفتار خاصی را اقتضا می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۵۴: ص ۸۵-۸۸، مطهری، ۱۳۸۱: ص ۱۸۰ و مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ص ۱۲)

در تقسیم بندی اخیری که کاظمی و فرجی (۱۳۸۸) با یک فراتحلیل بر روی مجموعه مقیاس های دینی سنجش در ایران انجام داده، توانسته است آن‌ها را در سه حوزه: اعتقادات دینی، ارزش‌های دینی و مناسک دینی طبقه‌بندی نماید که به نوعی با تقسیم بندی سه حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام تناسب دارد، هرچند فاصله‌هایی از این تقسیم بندی مخصوصاً در تطبیق مناسک و احکام در آن دیده می‌شود. (فضائی، ۱۳۹۰: ۲۳)

در حوزه جامعه‌پذیری دین، نیاز است دو دسته از مفاهیم، آموزش داده شوند: دسته اول اعتقادات مذهبی؛ مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی را در برمی‌گیرد و هدف آن ایجاد تصویری در ذهن است که احساسات فردی و جمعی هویت را در کنشگر تقویت می‌کند. دسته دوم را می‌توان در قالب شعائر دسته‌بندی کرد. شعائری که معطوف به رفتارهای اخلاقی و هم معطوف به رفتارها و کنش‌های دینی است. (میرعباسی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۷)

برهمن اساس می‌توان مهمترین اصول و مولفه‌های تربیتی را با تأکید بر نظریات اندیشمندان بزرگ اسلامی در حوزه تربیت دینی و نگاه به سیره رضوی این‌گونه تقسیم بندی نمود:

ج. مهمترین اصول و مولفه‌های تربیتی با نگاه به سیره رضوی

۱. اعتقاد (خداجویی)

امام رضا (علیه‌السلام) با بیان خطبه توحیدیه در جمع بنی عباس حاضر در مجلس مامون:

«... ثم قال: اول عباده الله معرفته و اصل معرفته الله توحیده ...»

سپس فرمود: نخستین مرحله عبادت خدا شناخت و معرفت اوست و اساس و پایه معرفت خداوند توحید و یگانگی اوست...

در این خطبه طولانی درباره اهمیت توحید، راه‌های شناخت خدا، صفات خدا و ... مطالبی را

بیان کردند. (نیک آیین و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۰۷)



خداجویی یکی از ویژگی‌های فطری انسان است که او را از سایر موجودات جدا می‌سازد. خردورزی، حقیقت‌جویی، عدالت‌جویی و ... نیز از جمله این ویژگی‌های ذاتی و فطری آدمی است. وقتی در روایتی بر کاری چون خداجویی تأکید می‌شود که از ویژگی‌های فطری ماست خود ناظر بر این موضوع است که رعایت و اجرای آن فعل توسط ما از نظر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) حائز اهمیت است و آنان این رفتار را به صلاح مردم می‌دانستند و در پس آن پیامدهای سودمندی می‌دیدند که بر آنها تأکید می‌کردند.

این‌ها همه دلیلی است بر هماهنگی فطرت ما با عقیده خداجویی که در مسیر رفتار تربیتی والدین قرار می‌گیرد. امام رضا فرمودند:

«مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةُ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»

هیچ بنده‌ای چهل روز برای خداوند مخلص نشد جز اینکه چشمه‌های حکمت از دلش بر زبانش جاری شد. (قمی، ۱۳۸۰: ص ۶۹)

از آنجا که ما به طور فطری خداجو و خداگرا و حقیقت‌جو هستیم، اگر نفس و جان خود را در مسیر حقیقت قرار دهیم و رضایت خداوند متعال را در همه کارها سرلوحه خویش قرار دهیم به علم و دانش حقیقی دست می‌یابیم و این خود نوعی هم‌سوئی با فطرت است. (بهشتی و رشیدی، ۱۳۹۲: ص ۵۷)

بنابراین می‌توان گفت که خانواده به عنوان یک منبع اساسی در تربیت و رشد خداباوری و خداپرستی فرزندان به شمار می‌رود که خدا به عنوان یک ارزش حیاتی می‌تواند نقش مهمی در کنش‌های اجتماعی افراد در فرآیند جامعه‌پذیری نقش ایفا کند.

۲. نظام ارزشی

ردایل اخلاقی نه تنها روح و روان انسان را آلوده می‌کند، بلکه تأثیرات سوئی بر روی خانواده و جامعه می‌گذارد و همچنین در فرهنگ رضوی تشویق به اهتمام فضایل اخلاقی شده است که با انجام این موارد، زندگی فردی و اجتماعی سرشار از محبت و جذابیت می‌شود.

در اینجا به برخی از مهم‌ترین اصول اخلاقی و ارزشی از منظر حضرت امام رضا (علیه‌السلام)



اشاره می‌کنیم:

- پرهیز از خشم و غضب

خشم و غضب منشأ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. حالت خشم و غضب از خطرناک‌ترین حالات است که اگر کنترل نشود، به صورت یک جنون و دیوانگی و از دست دادن کنترل اعصاب خودنمایی می‌کند. در کلام امام رضا (علیه‌السلام) خشم و غضب مؤمن مثبت ارزیابی شده است. به این معنا که اگر مؤمن دچار خشم و غضب شود، این خشم در دفاع از حق می‌باشد و اگر هم خرسند گردد، در خشنودیش پذیرش باطل نیست. در فرهنگ رضوی بر حق محوری مؤمن در همه حالات تأکید شده است. (طهماسبی و موسوی، ۱۳۹۴: ص ۲۱)

- پرهیز از حسد

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود انسان شخصیت دیگران را تحقیر کند و آبرویشان را بریزد، حسد است در فرهنگ رضوی بر مذمت حسد و آثار سوء آن تأکید شده است.

امام رضا (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

«هیچ حسودی از حسدش لذت نمی‌برد.»

در روایات پیشوایان دین علاوه بر مذمت دینی حسد، آثار سوء جسمی و روحی برای آن بیان فرموده‌اند. امام رضا (علیه‌السلام) حرص و حسد را عامل نابودی امت‌های پیشین می‌دانند.

در حدیث دیگری حضرت رضا (علیه‌السلام) از پدران‌ش از حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) روایت کرده است که حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

«لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَلَا الْعَمَشَاءَ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَعْذِي» (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۷۸)

زنان احمق و کم‌بین (حسود) را برای شیردادن به کودکان خود انتخاب نکنید؛ چرا که شیر زن {در بچه} اثر می‌گذارد.

تأثیر وراثت به معنای اختیار نداشتن انسان نیست؛ بلکه بیان روند طبیعی انتقال صفات از اصل به فرع است.



در حقیقت سعادت، شقاوت، کفر، ایمان و ... در کودک حالت تعلیقی دارد که چون در محیط مساعد قرار گیرد، به فعلیت می‌رسد.

به بیان دیگر، نقش وراثت آن است که زمینه‌های سرشتی را قوی‌تر کند و ضریب امکان تحقق آن‌ها را در شرایط محیطی مناسب، افزایش می‌دهد. (قاسمی نژاد و لکزایی، ۱۳۸۹: ص ۶۹)

- حسن خلق و مردم داری

حسن خلق یکی از صفات نیک است که دیگران را در دام خود اسیر می‌کند. امام رضا (علیه السلام) به عنوان اسوه کانون مهر و عاطفه بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمت گزارانشان نشان می‌دادند.

بنا به فرمایش شخص ایشان:

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»

هرکس در مقابل خوبی مردم تشکر نکند از خدای عزوجل تشکر نکرده است.

امام علاوه بر رأفت و کمک به مردم نیازمند، در معاشرت با افراد مختلف جامعه به گونه‌ای عمل می‌کردند که سازنده و تربیت کننده باشد و با عمل خود اسلام را در رفتار خویش نشان می‌دادند. نمونه‌ای از این رفتارها این که در چشم امام رضا (علیه السلام) همه افراد از نظر انسانی مقام و ارزش داشتند و به آن‌ها احترام می‌گذاشتند و برابری انسان‌ها را در حقوق ملاحظه می‌کردند. حتی غلامان و سیاهان هم مورد توجه او بودند و با آنان هم مثل یک انسان برخورد می‌کرد.

امام رضا (علیه السلام) اصل حاکم بر معاشرت اجتماعی را این گونه بیان می‌کند:

«در مراعات حقوق و اخلاق و آداب معاشرت با مردم چنان رفتار نمایی که دوست داری آن

طور با تو رفتار نمایند.» (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۸۴)

همچنین در مورد اخلاق نیکو می‌فرماید:

«هرکه با چهره و روی خندان با برادر مؤمن خود روبه رو شود خداوند یک حسنه برایش می

نویسد و هرکه خداوند یک حسنه برایش بنویسد هیچ‌گاه عذابش نمی‌کند.»



امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«محبت به مردم و اظهار دوستی با آنان نیمی از عقل است.» (مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۷۸، ص ۳۳۵)
به کارگیری اصول تربیتی، نقش اساسی را در تربیت فرزند ایفا می‌کند.

اما عواملی هستند که احادیث سفارش می‌کنند که آن‌ها را در تربیت فرزند رعایت کنیم؛ در سخنان گهربارشان مواردی دیده شده که برخی مواد غذایی را برای زنان باردار توصیه شده است. به زنان آبستن خود کندر بخورانید که اگر در شکم پسر دارد، هوشمند و دلیر گردد و اگر دختر باشد خوش خلق و زیبا گردد و ... (کمره‌ای، ۱۳۵۱: ج ۱۰، ص ۲۱۷)

امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

«و نیکی به پدر و مادر - گرچه مشرک باشند، در شرک از آنان اطاعت و پیروی مکن - و در دنیا با آن‌ها به نیکویی رفتار کن، زیرا خداوند می‌فرماید: سپاسگزار من و والدینت باش. بازگشت به سوی من است و اگر تو را وادار کردند که آن چه بدان معتقد نیستی با من شریک سازی، اطاعتش نکن.» (حسینی شاه ترابی، ۱۳۸۹: ص ۹۴-۹۵)

به خاطر اهمیت و جایگاه خانواده و خصوصاً ارزش احترام به پدر و مادر است که قرآن کریم احسان به والدین را پس از توحید و نفی شرک از خداوند بیان می‌کند.

از مواردی که امام رضا (علیه‌السلام) بر آن تأکید می‌کند اخلاق نیک پدر و مادر است. حسین بن بشار واسطی به حضرت رضا (علیه‌السلام) نامه‌ای نوشت که یکی از بستگانم درخواست وصلت با مرا دارد؛ ولی بد اخلاق است. حضرت در جواب فرمود: «اگر اخلاقش بد است، با او ازدواج نکن.» (فلسفی، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۱۷۶) ایشان در روابط اجتماعی، همه انسان‌ها را دارای ارزش انسانی می‌دانند و از این دیدگاه با مردم رفتار می‌کنند.

- صداقت و راستگویی

بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اختلافات خانوادگی و مشاجرات میان دشمن‌ها، فامیل‌ها و حتی نزاع‌های سیاسی، پدیده‌ای است که از بی‌صداقتی و ناخالصی به وجود می‌آید. صداقت استوارترین بنیانی است که دوستی‌ها، ازدواج‌ها، مشارکت‌ها و ... بر آن استوار می‌گردد و بدون



آن، همه این بنیان‌ها در معرض فروپاشی است.

اهمیت صداقت و راستگویی تا آن جاست که یکی از صفات انسان‌های پرهیزکار می‌شود. دلیل آن هم این است که سخن گفتن ابزاری برای کشف یک امر مجهول می‌شود.

امام رضا (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

«نقش انگشتی موسی دو جمله بود که از تورات گرفته بود: صبر پیشه کن تا اجر داده شوی، راستگو باش تا نجات داده شوی.»

مهم اینجاست که سلوک جمعی و رفتار اجتماعی امام رضا (علیه‌السلام) در باب افراد، طیف‌ها و گروه‌های مختلف منشأ قرآنی دارد؛ چرا که قرآن قانون زندگی است و زندگانی امام در رابطه و تعامل با جامعه عیناً در چارچوب همین قانون است. (مجیدی و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۸۴)

امام رضا (علیه‌السلام) پیشوا و تربیت یافته مکتب وحی به عنوان الگویی جامع از فضایل و کمالات انسانی در جامعه شیعه مطرح شدند، به دلیل نمایاندن رفتارهای متعالی در خانواده به عنوان گرامی‌ترین نهادها و احترام اعضا، اجتناب از صفات ناپسندی همانند خشم و غضب، بدگمانی و تجسس، پرهیز از حسد که منشأ فرجام سوء و عواقب تکان دهنده در حیات افراد می‌گردد. (طهماسبی و موسوی، ۱۳۹۴: ص ۳۱)

در سیره علمی و عملی رضوی علاوه بر دوری از ردائیل، اهتمام شدید بر ایجاد فضایل اخلاقی به منظور رسیدن به فضای آکنده از عطوفت و مهربانی با خوش خلقی و صداقت به عنوان ابزاری برای استحکام بخشیدن به همه بنیان‌ها و روابط داشتند.

۳. کنش عملی

در گام اول باید میان عقیده و عمل فرد نوعی تلازم و هماهنگی وجود داشته باشد. رفتار صحیح فکری، باطنی، بدنی و قلبی، همه و همه مبتنی بر عقیده است. نکته اساسی این است که اگر به دنبال عقیده، عمل واقع شود، آن عمل خود زمینه عقیده دیگری قرار می‌گیرد و موجب ایجاد عقیده ثانوی خواهد شد.



اگر به دنبال عقیده، عمل بیاید و شخص خود را مقید کند که بدان چه یاد گرفته است عمل کند، آن عمل خود عقیده دیگری را ایجاد خواهد کرد. به تعبیر دیگر میان علم (عقیده) و عمل تلازم است؛ خدمات متقابل و تأثیرات متقابل. (مشکینی، ۱۳۶۷)

«قال الرضا عن آبائه: العلمُ أمامَ العملِ و العملُ تابعُهُ»

علم (عقیده) پیشرو عمل است و عمل تابع آن است. (حموی جوینی، ۱۳۷۹: ص ۷)

«الایمانُ هو معرفةٌ بالقلبِ و اقرارٌ بلسانِ و عملٌ بالارکان»

ایمان عقیده (شناخت) به دل و اقرار به زبان، عمل با اعضای بدن است. (قمی، ۱۳۸۲: ص ۲۶۱)
از این روایت چنین بر می آید که ایمان قلبی تنها کافی نیست بلکه ما باید عامل به اعتقاداتمان باشیم. در مقام عمل است که عقیده تجلی می یابد. انسان عاقل همان انسان فهیمی است که بدان چه می داند و می فهمد عمل می کند و میان عمل و عقیده او تنافی وجود ندارد. (بهشتی و رشیدی، ۱۳۹۲: صص ۵۵-۵۶)

یواخیم واخ معتقد است که بیان تجربه دینی خواه مناسک باشد یا تجربه عملی با تجربه دینی رابطه نزدیک و مستقیم دارد. آنچه در احکام نظری صورت بندی شده است در اعمال الهام شده دینی به کار رفته است. به معنای وسیع باید گفت تمامی اعمالی که از تجربه دینی سرچشمه گرفته است همه در حکم بیان عملی مناسک است. (واخ، ۱۳۸۷: ص ۲۵)

توانایی آدمیان مختلف است هم از حیث فهم و هم از حیث عمل. خداوند کسی را تکلیف نمی کند مگر به قدر آنچه که به او داده است. بر این اساس در نظام تربیتی اسلام، مربی نیز تنها مجاز است به وسع مخاطب خود نظر بدوزد و بر پایه آن تکلیف کند. (باقری، ۱۳۸۷: ص ۱۸۴)

«قال الامام الرضا یا یونس؛ حدّث الناس بما یعرفون و اترکهم ممّا لا یعرفون»

امام رضا (علیه السلام) فرمودند ای یونس با مردم به اندازه‌ای که می‌توانند شناخت سخن گو و آنچه را نمی‌توانند دانست رها کن. (حکیمی، ۱۳۸۰: ص ۴۶۶)

قال الامام ابوالحسن الرضا: لا تدعو العمل الصالح والاجتهاد في العبادة، اتكالا على حُب ال



مُحَمَّدٌ لَا تَدْعُو حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ التَّسْلِيمِ لِإِمْرِهِمْ اتِّكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ، فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ.
امام ابوالحسن علی بن موسی رضا (علیه‌السلام) فرمودند: عمل صالح و کوشش در عبادت را به اتکای دوستی آل محمد وامگذارید. از دوستی آل محمد و تسلیم بودن در برابر فرمان آنان به اتکا بر عبادت صرف نظر نکنید؛ زیرا هیچ یک از آن دو بدون دیگری {در پیشگاه الهی} پذیرفته نمی شود. (مجلسی، ۱۳۶۴: ص ۳۴۷)

در این حدیث امام رضا به عمل اساسی و مهم اشاره می‌کند که مکمل یکدیگرند و هیچ کدام بدون دیگری قابل قبول نیست. این پیوندی ناگسستنی و ابدی اطاعت خدا و دوستی آل محمد و وظیفه همه ما مسلمانان است.

یکی از عوامل هویت‌بخش، آیین‌های دینی هستند که بدون آن‌ها منظومه‌های هویتی شکل نمی‌گیرد و کامل نمی‌شود. این آیین‌ها با نوع خاصی از گفتار و رفتار، جلوه‌گاه احساسات دینی و مذهبی می‌شوند و به دلیل قدمت زیاد در اکثر موارد با سنت و تاریخ یک ملت پیوند خورده و به جزئی از فرهنگ مردم تبدیل می‌شوند. این آیین‌ها در جمع‌گرایی و وحدت اجتماعی نیز نقش دارند. اجتماع افراد جامعه در یک مکان و برای یک هدف معنوی، نیروی عظیمی برای پیشبرد اهداف دینی در جامعه محسوب می‌شوند. (ماکویی، ۱۳۸۹: ص ۱۱)

به طور مثال در سیره علمی و عملی امام رضا (علیه‌السلام) به نماز اول وقت و آثار آن تأکید شده است به طوری که در اهمیت نماز اول وقت می‌فرمایند:
همانا به جا آوردن نماز در اول وقت باعث خشنودی خدا و در آخر موجب عفو خدا خواهد بود.
(اسلامی جهرمی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۷۶۲)

شیطان دشمن انسانیت انسان است؛ نمی‌خواهد انسان به کمال برسد و به خدا تقرب یابد به همین دلیل سعی دارد به بهانه‌های مختلف انسان را از عبادت خدا دور کند ولو اینکه بتواند او را به وقت نماز بی‌اعتنا کند. بی‌اعتنایی به حضور به موقع در پیشگاه خداوند، این امید را در دل شیطان تقویت می‌کند که او بتواند بنده خدا را نسبت به اصل حضور و عنایت به غایت و کمال مطلق هستی بی‌اعتنا کند. (اصفهانی، ۱۳۸۸: ص ۸۴)



اقامه نماز جنبه عملی ایمان است اگر ایمان را اعتقاد قلبی، اقرار زبانی و تأیید عملی بدانیم، نماز به لحاظ عملی ایمان را کامل می‌کند. علت اهتمام امام رضا (علیه‌السلام) به نماز را می‌توان در دو بعد اعتقادی و عملی دانست.

به لحاظ اعتقادی اقامه نماز اول وقت، به این نکته مهم تأکید می‌کند که در سبک زندگی اسلامی اولین و مهم‌ترین کار و فلسفه آفرینش عبودیت است؛ به این منظور که در هر لحظه و هر مکان مهم‌ترین امر بندگی خداوند است.

به لحاظ بعد عملی، نماز معرف جامعه اسلامی است، به این معنا که اقامه نماز در اول وقت نمودی عملی از دعوت به امر به معروف است که با عمل نمازگزاران دیگران نیز به این فریضه دعوت می‌شوند و این کار مهم بیانگر این مطلب است که در زندگی اسلامی هیچ چیز مهمتر از خداوند نیست. این نکته در سیره عملی امام رضا (علیه‌السلام) متجلی است.

در فرهنگ رضوی نماز جماعت علاوه بر داشتن بعد معنوی، در حیطه اجتماعی و فرهنگی نیز کاربرد فراوانی دارد. اگر نماز جماعت در جامعه کاربردی و همگانی شود، بسیاری از فسادها ریشه‌کن می‌شود و جای خود را به فضیلت‌ها و خوبی‌ها می‌دهد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۲-)

(۴۳)

نماز جماعت که در فرهنگ رضوی بر آن تأکید شده است محور اتحاد و همدلی اعضای جامعه است که در آن اختلافات از بین می‌رود و برادری و برابری در جامعه نهادینه می‌شود. نماز جماعت این نتیجه عملی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد که همه در یک صف در برابر خداوند می‌ایستند و تفاوتی بین انسان‌ها وجود ندارد. این مطلب باعث برابری و زدودن حقارت افراد ناتوان جامعه در مقابل توانگران می‌شود که این آثار در جامعه غیراسلامی یافت نمی‌شود.



نتیجه بحث

همان طور که ملاحظه کردید بسیاری از جامعه شناسان غربی (پارسونز، ساترلند و مک کوبی) بر روی نقش خانواده در تربیت و جامعه پذیری اجتماعی کودکان تأکید دارند و معتقدند که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای دینی در نتیجه یادگیری از خانواده به کودک در طی فرآیند جامعه‌پذیری انتقال می‌یابد و نظریه‌پردازان مسلمان نیز با الهام از منابع شیعی و سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) تربیت را یک فرآیند سیال و متحرک می‌پندارند که از اعتقاد به خدا آغاز تا عباداتی مانند نماز جماعت به عنوان یک آیین دینی ختم می‌گردد.

همچنین تحقیق حاضر بسیاری از یافته‌های پژوهش‌های سایر محققین که به صورت اجمالی در بخش دوم این مقاله ذکر شد را تأیید می‌کند بطوری که در سیره رضوی نیز بر نقش فرهنگی تربیت در خانواده تأکید شده است، والدین با انتقال ارزش‌های اجتماعی و دینی می‌تواند مهم‌ترین نقش را به عنوان یک مهم در شخصیت فرد هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی ایفاء کند که این فرهنگ از اعتقاد به ذات الهی به عنوان ابتدایی‌ترین ارزش دینی در کودکان آغاز و با بسط شناخت نظام ارزش‌های دینی و اخلاقی در مقاطع سنی مختلف ادامه یافته و با عبادت با عنوان یک کنش عملیاتی اعتقاد به خدا برای رسیدن به رستگاری پایان می‌یابد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

الف) کتاب‌ها

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی عطایی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، ۱۴۰۴ق.

۲. اسلامی جهرمی، شیخ محمد، مصابیح الدجی، چاپ دوم، قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۳.

۳. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۱.



۴. اصفهانی، محمدنصر، هدیه معنوی از گنجینه رضوی، قم: انتشارات مبارک، ۱۳۸۸.
۵. باتامور، تی‌بی، جامعه‌شناسی، ترجمه سیدحسن منصور و سید حسن حسینی، تهران: امیرکبیر.
۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۷.
۷. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، تهران: نشر بین‌الملل، ۱۳۹۰.
۸. بیضاوی، عمر بن محمد، انوارالتنزیل و اسرار التاویل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آیینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۳.
۱۰. حکیمی، اخوان، الحیاه، جلد ۲، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. حموی جوینی، ابراهیم، مسند الامام الرضا، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۷۹.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: نشر عطار، ۱۳۷۹.
۱۵. روزن باوم، هایدی، خانواده به منزله ساختاری در برابر جامعه، ترجمه محمدصادق مهدوی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
۱۶. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۱۷. سیدمن، استیون، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی، ۱۳۸۸.
۱۸. شرفی، محمدرضا، مهارت‌های زندگی در سیره رضوی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
۱۹. شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ پانزدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، بررسی‌های اسلامی، به کوشش هادی خسروشاهی، انتشارات دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۵۴.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۲. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا، مشهد: آستان قدس، ۱۴۰۶.



۲۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سی و هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۲۴. فضل‌الله، محمدجواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۲۵. فلسفی، محمدتقی، روایات تربیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۶. قمی، ابن‌بابویه (صدوق)، عیون اخبار الرضا، ترجمه علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۲۷. الخصال، جلد ۱، ترجمه یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
۲۸. کمره ای، محمدباقر، آسمان و جهان، تهران: اسلامی، ۱۳۵۱.
۲۹. گولد، جولیس و کولب، ویلیام ال، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجمان، تهران: مازیار، ۱۳۷۶.
۳۰. گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز، ۱۳۹۰.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه موسی خسروی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۳۲. محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: طهوری، ۱۳۷۴.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، چاپ هفتم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
۳۴. آموزش عقاید، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۷۳.
۳۶. کلیات علوم اسلامی: کلام، عرفان و حکمت عملی، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۳۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۸. نراقی، احمد، رساله دین شناخت، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸.
۳۹. واخ، یوآخیم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۴۰. وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک خلق، مبانی جامعه‌شناسی، فرمند، ۱۳۷۰.

ب) مقاله ها

۱. ابراهیمی، ابراهیم و طهماسبی، اصغر و مرتضوی، ابراهیم و قنبری، لیلا، بررسی نقش نماز در جهت دهی به سبک زندگی اسلامی در سیره رضوی، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.



۲. بهشتی، سعید و رشیدی، شیرین، اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یک، دوره جدید، شماره ۱۸، صص ۵۲-۶۷، ۱۳۹۲.
۳. پور رستمی، حامد، چیستی و ترابط معنایی فرهنگ و دین در فرهنگ دینی. فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۱۱۹-۱۳۸، ۱۳۹۵.
۴. حر، حسین، سیره تربیتی و اخلاق عملی امام رضا، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۴، صص ۲۹-۵۳، ۱۳۸۷.
۵. حسینی شاه ترابی، مرتضی، اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا و سیره رضوی، دو فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ و تربیت اسلامی، صص ۹۱-۱۰۸، ۱۳۸۹.
۶. رستگارخالد، امیر، سرمایه اجتماعی خانواده و دین‌داری جوانان. فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ششم، شماره ۳، صص ۵۵-۸۶، ۱۳۹۲.
۷. شجاعی زند، علیرضا، مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، صص ۳۴-۶۶، ۱۳۸۴.
۸. طالبان، محمدرضا، برازش تجربی مدل‌های مفهومی - ساختاری از دین‌داری، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد فرهنگ، شماره دوازده و سیزده، صص ۶۰-۴۱، ۱۳۹۰.
۹. طهماسبی، اصغر و موسوی، کوثر، آیات قرآن و سجایای اخلاقی امام رضا، فصلنامه بینات، شماره ۸۶ و ۸۷، صص ۱۷-۳۲، ۱۳۹۴.
۱۰. فضائلی، احمد، گامی برای بهره‌گیری از محتوای دین اسلام در پژوهش دین‌داری، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد فرهنگ، شماره دوازده و سیزده، صص ۱۷-۳۹، ۱۳۹۰.
۱۱. قاسمی نژاد، زهرا و لک زایی، صغری، امام رضا و تربیت نسل منتظر، فصلنامه راه تربیت، شماره ۳۳، صص ۵۳-۸۸، ۱۳۸۹.
۱۲. گنجور، مهدی و بیدهندی، محمد، امام رضا و الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب؛ مسئله پلورنالیسم دینی ((هنجاری)) در فرهنگ رضوی. فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۲۱۵-۲۵۰، ۱۳۹۰.



۱۳. ماکویی، سویل، بازنمایی جایگاه حضرت امام رضا در فرهنگ مردم ایران؛ آیین ها و نمادها. فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۰، ۹، ۲۱-۳۱، ۱۳۸۹.
۱۴. مجیدی، حسن و عزیزی، امیر و رزم آرا، راضیه، سیره فردی و اجتماعی امام رضا با تطبیق بر آیات قرآن، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۷۷-۹۸، ۱۳۹۵.
۱۵. میرعباسی، حمید، جامعه‌پذیری دینی وقف و نقش رسانه در آن، مجموعه مقالات کنگره ملی وقف حماسه اقتصادی و سبک زندگی اسلامی، ۱۳۹۴.
۱۶. میرمحمدی، فریده، اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا، رشد (آموزش علوم اجتماعی) دوره پانزده، شماره ۱، صص ۱۴-۶۱، ۱۳۹۰.
۱۷. ناصری، سهیلا و ساروخانی، باقر و وحید، فریدون و بهیان، شاپور، بررسی جامعه‌شناختی خانواده و فرزندمداری در شهر تهران، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره دهم، شماره ۴، صص ۷-۳۲، ۱۳۹۵.
۱۸. نجفی، محمد و قربانی، منصوره و نصرتی هشی، کمال و شاهی، محمد، روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۱۷، صص ۱۱۳، ۱۳۹۳.
۱۹. نیک آیین، محمود و بختیارنصرآبادی، حسنعلی و علی بهرامی، حمزه و نصرتی، کمال و عباس پور، نفیسه، آثار تربیتی امام رضا در تعالی باورهای معنوی مردم ایران، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۹۷-۱۱۸، ۱۳۹۴.

